



ملاصدرا فلسفه وجودی را با مسئله معرفت پیوند می دهد

یک عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با بیان اینکه فلسفه ماهیت و فلسفه وجود هر یک جهان بینی متفاوتی را برای انسان به همراه دارد...

یک عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با بیان اینکه فلسفه ماهیت و فلسفه وجود هر یک جهان بینی متفاوتی را برای انسان به همراه دارد، گفت: در فلسفه اسلامی بحث در خصوص فلسفه وجودی در واقع بحث درباره فلسفه ملاصدرا است که مبتنی بر اصالت وجود است در مقابل اصالت ماهیت.

دکتر "مهدی معین زاده" عضو هیأت علمی گروه علم و دین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در گفتگو با خبرنگار درباره منشأ و اساس فلسفه وجود گفت: سنت فلسفه اسلامی قبل از ملاصدرا چه در شکل فلسفه مشاء و چه در فلسفه اشراق هر دو بر پایه اصالت ماهیت مبتنی بود. منتهی ملاصدرا مبنای کل فلسفه اسلامی را بر اساس اصالت وجود قرار داد. در حقیقت فلسفه وجودی در مقابل اصالت ماهیت، قول به اصالت وجود دارد.

وی با بیان اینکه تمایز وجود و ماهیت ریشه در فلسفه ارسطو نداشته بلکه توماس آکویناس آن را ابداع کرده است، افزود: بر اساس این نظریه هر موجودی یک وجود دارد و یک ماهیت. ماهیت موجود پاسخی است که به پرسش درباره چیستی یک موجود داده می شود یعنی وقتی می پرسند آن موجود چیست؟ پاسخ آن در خصوص ماهیت آن موجود است. به عنوان مثال اگر بپرسند انسان چیست؟ در جواب می گویند: حیوان ناطق است. این پاسخ، ماهیت آن موجود را دربرمی گیرد. در مقابل این ماهیت، مسئله دیگری قرار می گیرد که به آن وجود می گویند. این وجود در همه انسان ها یکی است اما ماهیت آن متفاوت است.

وی ادامه داد: بنابراین در فلسفه اسلامی بحث در خصوص فلسفه وجودی در واقع بحث درباره فلسفه ملاصدرا است که مبتنی بر اصالت وجود است در مقابل اصالت ماهیت. اینکه جهان را بر اساس اصالت ماهیت نگاه کنیم مثل کسانی همچون ابن سینا یا بر اساس اصالت وجود، مثل نگاه ملاصدرا سبب بروز تفاوت هایی می شود و در واقع در جهان بینی افراد تأثیرگذار است. وقتی بر اساس اصالت ماهیت به دنیا نظر داشته باشیم جهان مجموعه ای از ممکنات می شود که شامل موجودات عالم و واجب الوجود یعنی خدا است.

معین زاده تصریح کرد: بین این ها یعنی ممکن الوجودها یا ممکنات و واجب الوجود رابطه علیت برقرار است. بی خود نبود که به خداوند علت اولی یا علت العلل می گفتند چون خداوند علت اولین و نخستین بود و بقیه موجودات معلول بودند. این تصویر اصالت ماهوی است از جهان.

عضو هیأت علمی گروه علم و دین پژوهشگاه در توضیح جهان بینی که بر اساس اصالت وجود شکل می گیرد، گفت: تصویری که فلسفه مبتنی بر اصالت وجود از جهان می دهد شامل خدا و خدانماها یا آیات می شود. در واقع در اصالت ماهوی آیات خدا نمی تواند نشان و نموی داشته باشد و فقط در اصالت وجودی است که آیات خدا معنای آیات خدا پیدا می کند، زیرا در فلسفه وجودی رابطه علت و معلولی به شکل رابطه مبتنی بر علیت بین موجودات و علت العلل نیست. رابطه ای که در فلسفه وجودی بین عالم و خداوند مطرح است رابطه ای تجلی است یعنی یک طرف این رابطه نشان از امر دیگر می دهد و طرف دیگر امری است که آن را نشان می دهد مثل آینه. در این شرایط در فلسفه وجودی عالم دیگر مجموعه ای از اعلام نیست بلکه مجموعه ای از آیات است. در حقیقت مهمترین پیامد این رابطه نشان دادن آن تجلی به جای علیت است.

معین زاده با بیان اینکه معرفت بیشتر به دنبال وجود بیشتر حاصل می شود، گفت: یکی دیگر از آثار فلسفه وجودی موضوعی به نام مراتب وجود است یعنی تجلی وجود در تمام امور یکسان نیست، در برخی امور بیشتر و در بعضی دیگر کمتر است. در اینجا ملاصدرا فلسفه وجودی را به نوعی با مسئله معرفت پیوند می دهد. از نظر ایشان موجودی که وجود بیشتری دارد یعنی مراتب وجودی بالاتری دارد از معرفت بیشتری برخوردار است. در واقع مراتب وجود با مراتب معرفت به نوعی همخوانی پیدا می کند. به این ترتیب انسان وجود بیشتری از حیوان و حیوان بیشتر از نبات دارد یا به عبارت دیگر انسان معرفت بیشتری نسبت به حیوان دارد. در این بحث فلسفه وجودی به عرفان ما نزدیک می شود. شعرای عارف ما به این موضوع پرداخته اند. مولوی در ابیاتی بسیار تأکید کرده بود که: ای برادر تو همان اندیشه ای/مابقی تو استخوان و ریشه ای/ گر گلست اندیشه تو گلشنی/ور بود خاری تو هیمة گلخنی/جان ما از جان حیوان بیشتر/ از چه رو و آنچه فزون دارد سبب.

وی ادامه داد: یکی دیگر از مهمترین نتایج اصالت وجود یا فلسفه مبتنی بر اصالت وجود یا فلسفه وجودی تئوری صدق است. البته صدق دوقطبی به این معنی که چیزی درست یا نادرست، کامل یا ناقص است در اینجا از بین می رود و صدق و کذب ذومراتب جایگزین دوقطبی می شود، یعنی امری نسبت به امر دیگر صدق بیشتری دارد یا به اصطلاح صادق تر یا کاذب تر است. در واقع همان طور که وجود مراتب دارد صدق و کذب نیز از مراتبی برخوردار است.

معین زاده در پایان گفت: از آثار مهم دیگر فلسفه وجودی، حرکت جوهری است. حرکت جوهری از ابداعات مهم ملاصدرا به شمار می آید. جوهر آن چیزی بود که ضرورت یک جسم به آن وابسته بود. به عنوان مثال اگر ویژگی های ظاهری مثل رنگ پوست یا طول قد را از انسان بگیرند باز هم انسان است، چراکه این ها عرض هستند یعنی وجود این چیزها ضروری نیست در

واقع آنچه باعث می شود انسان به خودی خود انسان باشد انسانیت انسان است. فلاسفه پیش از ملاصدرا معتقد بودند که این جوهر، حرکت ندارد، اما ملاصدرا اثبات کرد که این جوهر از حرکت نیز برخوردار است. با توجه به آنچه گفته شد می توان این طور نتیجه گیری کرد که فلسفه وجودی ملاصدرا بسیار بیشتر از فلسفه های قبلی اسلامی این استعداد را دارد که در زمینه های مختلف مثل جامعه شناسی، روان شناسی، تعلیم و تربیت و ... بکار گرفته شود.